

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاست اقتصادی آمریکا بعد از انتخابات ۲۰۱۶

◇
گزیده پژوهش‌های جهان: سیاست اقتصادی آمریکا بعد از انتخابات ۲۰۱۶
بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -
معاونت پژوهشی
ترجمه و تلخیص: احسان صادقی
تاریخ انتشار: ۹۵/۱۱/۲
تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵
صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵
نشانی اینترنت: www.tisri.org
کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به
هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



خلاصه اجرایی

ریاست جمهوری احتمالی هیلاری کلینتون در آمریکا می‌تواند تداوم سیاست فعلی اقتصادی اوپاما را به‌دنبال داشته باشد. سیاست‌هایی که به‌نوعی می‌توان آنها را دستور کار اصلی حزب دموکرات برشمرد که از جمله آنها می‌توان از بالا بردن هزینه‌های دولت در زمینه تقویت زیرساخت‌ها، آموزش، بالا بردن حداقل دستمزدها، و اصلاح نظام مالیاتی یاد نمود.

در طرف مقابل، دستور کار اقتصادی دونالد ترامپ، کاندیدای جمهوریخواه، ظاهراً استقبال از اصول سنتی این حزب است که این اصول می‌تواند کاهش گسترده نرخ مالیاتی و لغو نمودن اصلاحات نظام بهداشت و درمانی باشد که باراک اوپاما آن را به انجام رساند. با این حال، سیاست تجاری وی مبنی بر موازنه اقتصادی و لفاظی‌های ضد مهاجرتی‌اش نشان‌دهنده انحراف از مرامنامه حزب جمهوریخواه است. مجموع این عوامل سبب می‌گردد که پیش‌بینی رشد اقتصادی این کشور با پیروزی ترامپ نامعلوم باشد.

در این میان، هرگونه اقدامی در جهت اصلاحات نظام مالی و مالیاتی این کشور با چالش‌کنگره مواجه خواهد شد. با این حال، اگر در انتخابات پیش‌رو، دموکرات‌ها در انتخابات‌کنگره کرسی‌های بیشتری را تصاحب کنند، هیلاری کلینتون راه آسان‌تری را در مقایسه با اوپاما در پیش بردن اصلاحات مورد نظر خود خواهد داشت.

ترامپ نیز در زمینه طرح کاهش مالیاتی خود با چنین چالشی مواجه است و ممکن است از سد‌کنگره عبور نکند، در هر صورت، رئیس‌جمهور آینده این کشور و کنگره با چالش افزایش سقف بدهی‌های ملی مواجه خواهند شد.



سیاست اقتصادی آمریکا بعد از انتخابات ۲۰۱۶^۱

مقدمه

زمانی که صحبت از سیاست اقتصادی و ارتباط آن با انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ می‌شود، سه معما مطرح می‌گردد:

معمای اول همخوانی نداشتن گفتارها با آمار و ارقام است. در مبارزات انتخاباتی حال حاضر، کاندیداها سعی می‌کنند کشوری را به هواداران خود نشان دهند که در رکود اقتصادی عمیق فرورفته است و نامزدان پوپولیست از طریق وعده‌هایی همچون نشانیدن هر چیز بر سر جایش هواداران زیادی را به سمت خود جلب نمایند. با این حال، نشان دادن آمار و ارقام موضوع را روشن‌تر خواهد کرد. آماری همچون رشد بالای اقتصادی، نرخ بیکاری که از سال ۲۰۰۸ به نصف کاهش یافته است، نرخ پایین تورم و قیمت ارزان بنزین که تمام این موارد را هر فردی می‌تواند به‌خاطر ببورد.

معمای دوم مسئله کسری بودجه و بدهی ملی آمریکاست. موضوعی که محور اصلی مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۲ را تشکیل می‌داد، حالا در مبارزات این دوره جای خود را به موضوعاتی چون: مسئله وال‌استریت، شرکت‌های مهم آمریکایی، و رعایت اصل انصاف در قوانین تجاری و نابرابری داده است. کسری بودجه از سال ۲۰۰۹ تاکنون کاهش محسوسی داشته، اما مسئله بدهی‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای تغییر نکرده است.

معمای سوم تزلزل طبقه متوسط، ضعیف شدن بخش تولیدی کشور، و رکود حاکم بر درآمد‌هاست که تا دهه‌ها اقتصاد آمریکا را شکل داده بودند.

نظرسنجی‌ها حکایت از آن دارد که دو سوم رأی‌دهندگان اعتقاد دارند نظام اقتصادی

1. Christopher Smart, "US Election Note: Economic Policy After 2016", Chatham House, June 2016.



به‌صورت ناعادلانه‌ای در حال مساعدت به قدرتمندان این کشور است، در حالی که بقیه افراد در نظرسنجی بر این باورند که نظام اقتصادی به‌طور کلی عادلانه رفتار می‌نماید. بخشی از این طرز فکر در مورد عملکرد نظام اقتصادی را می‌توان به اهمیت روبه‌افزایش افراد بین هیجده تا ۲۹ سال در این کشور و وزن سیاسی آنها نسبت داد که نیمی از این جوانان اعتقاد دارند کشور در مسیر اشتباهی قرار گرفته است.

زمانی که یک مخاطب بین‌المللی شاهد لفاظی‌های مبارزات انتخاباتی حال حاضر است، این نگرانی در وی به‌وجود می‌آید که آمریکا ممکن است در آینده یک رویکرد معطوف به انزوایی را در پیش بگیرد. این موضوع با واقعیت اختلافی جزئی دارد. در نظرسنجی‌ای که به‌تازگی صورت گرفت، دو سوم آمریکایی‌ها اعلام نمودند که این کشور باید بر روی مشکلات خودش تمرکز نماید؛ مسئله‌ای که جمهوریخواهان این کشور در مقایسه با دموکرات‌ها نظری قوی‌تر درباره آن دارند. اما هم‌زمان از هر ده آمریکایی شش نفر اعتقاد دارند که جهان بدون نقش فعال آمریکا در آن، مکانی بدتر برای زندگی خواهد بود. نتایج رفراندوم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا سبب تقویت نگرش‌های ضد‌مهاجرتی و ضدتجارت آزاد گردیده است. باین‌حال، این موضوع بستگی به آن خواهد داشت که بریتانیا پس از این خروج به‌سمت ثبات سیاسی و رشد اقتصادی حرکت کند یا خیر.

دو نامزد احتمالی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا یعنی هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ سیاست‌های اقتصادی به‌شدت متضادی را ارائه داده‌اند که این سیاست‌ها به‌صورت بالقوه پیامدهای مهمی را برای اقتصاد جهانی به‌دنبال خواهد داشت. با تمام این احوال می‌توان ریاست‌جمهوری احتمالی هیلاری کلینتون را به‌نوعی دوره سوم ریاست‌جمهوری اوپاما هم از لحاظ ظاهری و هم از لحاظ ذاتی دانست. دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوریخواه نیز اگرچه لفاظی‌های پوپولیستی انجام می‌دهد، در صورت انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور این کشور، رویکردی عملگرایانه را در قبال اقتصاد آمریکا و اقتصاد جهانی در پیش خواهد گرفت.

مواضع سیاست اقتصادی ریاست جمهوری هیلاری کلینتون

اگر هیلاری کلینتون نامزد حزب دموکرات پیروز این انتخابات گردد، طرح‌های پیشنهادی وی



در حوزه اقتصادی تعجب کمی را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا طرح‌های مورد نظر وی با جزئیات دقیق در اعلامیه‌های سیاسی صادر شده از طرف او و در تارنمای انتخاباتی وی درج شده است. این طرح‌ها شامل مواردی همچون قدرت دوباره دادن به جوامع استخراج زغال سنگ و در عین حال، تبدیل نمودن آمریکا به یک ابرقدرت جهانی در زمینه انرژی پاک، تقویت کسب و کارهای کوچک به همراه فراهم نمودن دسترسی بسیار خوب به منابع مالی مورد نیاز برای آنها و در آخر، اجرای تدابیری که قدرت چانه‌زنی اتحادیه‌ها را بالا خواهند برد.

هسته اصلی برنامه کلیتون نشان‌دهنده این است که وی ادامه دهنده برنامه‌های دولت فعلی آمریکا است. همچنین اینکه تصور نماییم وی شانس بهتری را برای به دست آوردن پشتیبانی جمهوری خواهان کنگره برای طرح‌های مورد نظر خود به دست خواهد آورد بسیار مشکل است. کلیتون از مسئله سود و منفعت بیشتر برای کارگران پشتیبانی می‌کند که شامل بالا بردن حداقل دستمزدها است. وی از طرح پشتیبانی گسترده دولت فدرال در پرداخت کمک هزینه آموزش کالج نوجوانان آمریکایی نیز حمایت می‌نماید. او همچنین خواهان نقش فعال تر دولت در زمینه ساخت زیربنای این کشور به همراه یک طرح ۲۷۵ میلیارد دلاری است و سرانجام وی وعده داده است که از طرح مراقبت‌های بهداشتی که یکی از مهم‌ترین میراث‌های به جامانده از دوران اوباما است در برابر تجدیدنظرخواهی جمهوری خواهان دفاع می‌کند. همچنین کلیتون ایده‌هایی همچون در نظر گرفتن مشوق برای کسب و کارهایی که در زمینه کارآموزی سرمایه‌گذاری می‌کنند در نظر گرفته است.

تارنمای انتخاباتی هیلاری کلیتون بحث سیاست‌های تجاری وی را به عنوان موضوعی مجزا در نظر نگرفته است، اگرچه در بخش مربوط به تولید وعده داده است که در مقابل نقض قوانین تجاری سخت‌گیری خواهد نمود و پست جدیدی را با عنوان دادستان تجاری که مستقیماً به رئیس‌جمهور گزارش می‌دهد ایجاد، و فرد مورد نظر را برای این پست منصوب خواهد نمود. همچنین در مورد موضع وی در قبال پیمان شراکت اقیانوس آرام (تی‌پی‌پی) نیز باید به این نکته اشاره نمود که زمانی که او وزیر خارجه آمریکا بود، این پیمان را استاندارد طلایی قراردادهای تجارت آزاد توصیف کرد؛ اما حالا او در مورد این نکته که این قرارداد ممکن است به اندازه کافی دستمزدهای کارگران آمریکایی را بالا نبرده باشد ابراز نگرانی کرده است. به نظر می‌رسد کلیتون بیشتر خواهد کوشید که این پیمان را اصلاح و ترمیم نماید تا اینکه آن را به صورت کلی رها کند.



ریاست جمهوری دونالد ترامپ

دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان، با آنکه در سخنرانی‌های انتخاباتی خود لفاظی‌های زیادی می‌کند، اما جزئیات زیادی از طرح‌های موردنظر خود منتشر نکرده است. وی ایده‌های قابل توجهی را ارائه داده است - که عواقب اقتصادی مهمی به دنبال خواهد داشت. ایده‌های ترامپ ترکیبی از پیشنهادهای سنتی جمهوری‌خواهان در مورد لزوم کاهش مالیات و منحرف شدن وی از تعهدات تاریخی حزب در مورد موضوعاتی همچون لزوم توسعه تجارت آزاد و استقبال از مهاجران به این کشور است؛ موضوعاتی که مورد تمسخر ترامپ واقع شده است و در مواضع خود اعلام نموده است عوامل ریشه‌ای آزرده‌خاطر شدن کارگران آمریکایی موضوعاتی همچون تجارت آزاد و بحث مهاجران است.

ایده‌های ترامپ اهداف و تدابیری هستند که راهبرد مشخصی به منظور دستیابی به آنها وجود ندارد و تحلیلگران سنتی حزب جمهوری‌خواه نیز از ارزیابی دقیق این اهداف ناتوانند.

وی در زمینه موضوع مهاجرت وعده داده است که تدابیر جدیدی را به منظور محدود نمودن سیل کارگران خارجی اتخاذ نماید. موضوع کارگران خارجی از نظر ترامپ سبب شده است که حقوق و دستمزدها پایین نگه داشته شود، نرخ بیکاری همچنان بالا باشد و آمریکایی‌های طبقه کارگر و فقیر نتوانند به سطح دستمزد طبقه متوسط آمریکایی برسند. ترامپ وعده داده است که یازده میلیون نفر از مهاجران غیرقانونی را طی دو سال از آمریکا اخراج نماید و تهدید نموده که کمک‌های این کشور به مکزیک را در صورت عدم همکاری این کشور در مورد جلوگیری از ورود مهاجران غیرقانونی از مرزهای جنوبی و مشترک قطع نماید. تمرکز ترامپ بر روی موضوع محدود نمودن مهاجرت در حالی صورت می‌گیرد که نرخ اشتغال افزایش یافته و مهاجرت از مکزیک به سمت آمریکا از زمان رکود سال ۲۰۰۸ به صورت قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است.

ایده‌های ترامپ در مورد سیاست تجاری شامل اقدامات و تدابیر تلافی‌جویانه‌ای که با هدف طراحی دوباره پیمان‌ها و قراردادهای گذشته که از نظر وی باعث بیکار شدن کارگران آمریکایی و ازدست رفتن کارخانه‌های بخش تولید شده‌اند انجام می‌گیرد. هدف اصلی حملات وی چین است.

ترامپ چین را متهم نموده است به اینکه نرخ ارز را دستکاری می‌کند و تهدید کرده است مادمی که چین رفتار خود را تغییر ندهد، عوارض گمرکی خنثی‌کننده‌ای را وضع



خواهد نمود. از نظر نظامی نیز وعده داده است که حضور نیروی دریایی آمریکا در دریای جنوبی چین را تقویت خواهد کرد.

مسئله بدهی ملی و اوراق قرضه آمریکا که بخش عمده‌ای از این اوراق تحت تملک چینی‌هاست، از دیگر مواردی است که ترامپ وعده مقابله با چینی‌ها را داده است. از نظر او، چینی‌ها با توجه به در اختیار داشتن این اوراق همواره از آمریکا باج می‌گیرند و وی می‌تواند از طریق کاهش دادن بدهی ملی این کشور، توانایی چین را در استفاده از این حربه در مقابل آمریکا کاهش دهد.

در مورد مالیات‌ها نیز از یک طرف، طرح‌های مورد علاقه جمهوری خواهان یعنی پایین آوردن نرخ مالیاتی را دنبال می‌کند و وعده داده است که کسب و کارهای کوچک و بزرگ، مالیاتی بیش از پانزده درصد بر درآمد را پرداخت نخواهند کرد و مالیات بر املاک را نیز حذف خواهد نمود و از طرف دیگر، جمهوری خواهان سستی زنگ خطر را در مورد لفاظی‌های ترامپ در رابطه با موضوع بستن راه‌های گریز مالیاتی که سبب خواهد شد تا ثروتمندان مالیات بیشتری را پرداخت کنند، به صدا درآورده‌اند.

پیامدهای بین‌المللی

به‌رغم تفاوت‌های گسترده در رویکردهای اقتصادی طرفین دموکرات و جمهوری خواه به‌نظر می‌رسد کلینتون و ترامپ تدابیر مالی را به‌منظور پشتیبانی از رشد اقتصادی به اجرا خواهند گذاشت. کلینتون سیاست بالا بردن هزینه‌ها و مخارج را اجرا خواهد کرد و در مقابل، ترامپ نیز طرح کاهش مالیاتی را دنبال خواهد کرد. انتظار می‌رود که هیچ‌یک از نامزدها به تمامی طرح‌های مورد نظر انتخاباتی خود با توجه به احتمال وجود یک کنگره تقسیم‌شده بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان دست نیابند. صرف‌نظر از لفاظی‌های انتخاباتی که حول مسائل اقتصادی قرار گرفته است، تدابیر مالی‌ای که سبب بالا رفتن رشد اقتصاد جهانی خواهد شد، مورد استقبال بسیاری از کشورها در جامعه بین‌المللی قرار خواهد گرفت، هر چند لفاظی نیز به‌خودی‌خود پیامدهای مهمی را به دنبال خواهد داشت، به‌ویژه برای ابتکارات اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی مانند: گروه بیست، مجمع همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام، و سازمان کشورهای قاره آمریکا.



نتیجه‌گیری

تصور این مسئله آسان است که ریاست‌جمهوری احتمالی کلینتون به‌نوعی تمدید دوباره دوران ریاست‌جمهوری او‌باما خواهد بود؛ دورانی که توسط پیشنهادهای ساختاری درمورد اصلاح نظام اقتصادی و محدودیت‌های اعمال‌شده از طرف کنگره شکل گرفت. مخالفت کلینتون با پیمان شراکت اقیانوس آرام نشان‌دهنده این است که وی بیشتر تمایل دارد که اصلاحات موردنظر خود را اعمال نماید که درنهایت سبب خواهد شد تصویب نهایی آن با تأخیر مواجه شود، تا اینکه بخواند این پیمان را از خط اصلی خارج نماید. ریاست‌جمهوری احتمالی ترامپ نیز نه‌تنها انحراف از سیاست‌های اعمال‌شده دموکرات‌ها در دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری او‌باما محسوب می‌گردد، بلکه ممکن است این فرد از بسیاری از عناصر ایدئولوژی جمهوریخواهان سنتی نیز تخطی نماید. جدا از نامشخص بودن این مسئله که چه نامزدی چه موضوعی را در کاخ سفید دنبال خواهد کرد، فکری که سبب خواهد شد یک ناظر مبارزات انتخاباتی که در خارج از آمریکا آن را با نگرانی دنبال می‌نماید، از طریق آن قوت قلب یابد، این است که رئیس‌جمهور بعدی آمریکا همچنان به‌وسیله جاه‌طلبی‌های کنگره، نوسانات بازارهای مالی و نیروهای بی‌رحم اقتصاد جهانی مقید خواهد ماند و از لفاظی‌های انتخاباتی خود دور خواهد شد.